

۱- معلم: آخرین دندان‌هایی که در می‌آید چه دندان‌هایی است؟

شاگرد: دندان مصنوعی است

۲- آقای گاو به نقاش: زبانم لال، چرا منو شبیه گاو کشیدی؟!

یک روز کبریتی سرش را می‌خاراند، آتش می‌گیرد

۳- جراید: تلفن همراه به **DNA** آسیب می‌رساند

اولی: وای این دراکولا چیه؟

دومی: نترس، آقای رئیس، جهش ژنتیکی پیدا کرده

۴- معلم: بگو ببینم، کمبوجیه چه جور پادشاهی بود؟

شاگرد: پادشاه بدی نبود، فقط همیشه از کمبود بودجه شکایت داشت

۵- معلم: بنویس صابون

شاگرد روی تخته نوشت، صابون

معلم: ببین عزیزم صابون با ص است نه با س

شاگرد: خانم فرقی نمی‌کند نگران نباشید اینم کف می‌کند

۶- دو نفر دروغگو به هم رسیدند

اولی گفت: من دیشب توی کره ماه شام خوردم

دومی : آره ، وقتی از کره ی مریخ برمی گشتم تو را در کره ماه سر سفره دیدم

۷- مادر : علی بیا اسفناج بخور آهن دارد

علی : آخر مادر جان الان آب خوردم می ترسم زنگ بزنم

۸- پدر : حالا که رفوزه شدی به کسی نگو تا آبرویت نرود

پسر: چشم پدر، به همه سفارش کردم تا به کسی نگویند

۹- خبرنگار: چرا قبل از هر بازی به حمام می روی؟

فوتبالیست: برای اینکه گل‌های تمیز بزنم!!!!.

۱۰- اولی : چرا گریه می کنی؟

دومی : چون اگر یک دقیقه زودتر رسیده بودم از اتوبوس جا نمی ماندم

اولی : ولی طوری گریه می کنی که انگار اتوبوس دو ساعت پیش رفته بود !!!!

۱۱- معلم: بگو به غیر از اکسیژن چه چیزهایی در هوا وجود دارد؟

شاگرد : آقا اجازه، کلاغ ، مگس ، پشه!!!!

۱۲- معلم: چند وقت است که حمام نرفتی؟

شاگرد: از موقعی که امیر کبیر در حمام کشته شد